


تصویر کلان

حکمرانی و سیاست گذاری 

اقتصاد کلان 

محیط کسب و کار 

صنعت 

معدن 

کشاورزی 

خدمات 

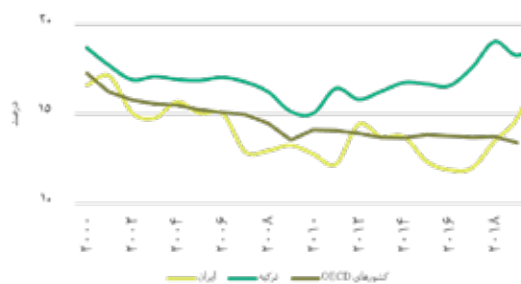


صنعت در سال ۱۴۰۱

۱. تصویر کلان

۱.۱. سهم صنعت از تولید ناخالص داخلی

بخش صنعت در ارزش افزوده تولیدی یک اقتصاد از اهمیت بسیاری برخوردار است؛ از آن جهت که صنعت می‌تواند زمینه‌ساز توسعه سایر بخش‌های اقتصاد شود. به عبارت دیگر بخش صنعت می‌تواند به عنوان پیشران اقتصاد عمل کرده و با حرکت خود، کل اقتصاد را به حرکت درآورد. در روند توسعه اقتصادی کشورها، عموماً سهم بخش صنعت از تولید افزایش می‌یابد و پس از رسیدن به سطح نسبتاً بالایی از توسعه‌یافتگی، سهم صنعت کاهش یافته و بخش‌هایی مثل خدمات سهم بیشتری را به خود اختصاص می‌دهند. نمودار ۱ سهم صنعت در تولید ناخالص داخلی را برای ایران و ترکیه و کشورهای OECD نشان می‌دهد.



نمودار ۱: سهم بخش صنعت از تولید ناخالص داخلی [۵]

مطابق نمودار ۲ در بیست سال گذشته، سهم بخش صنعت ایران از تولید ناخالص ملی کاهش یافته است؛ در حالی که این کاهش ناشی از بزرگ‌تر شدن دیگر بخش‌های اقتصاد نبوده است (رشد درآمد سرانه در دهه ۹۰ نزدیک به صفر است). دلیل عمده این کاهش، سرکوب ارزی شدید در این دو دهه به دلیل بروز بیماری هلندی و تحریم‌ها در ده سال اخیر است. سهم بخش صنعت از تولید ناخالص ملی بدون احتساب نفت هم در دهه اخیر، بین ۱۴ و ۱۵ درصد در نوسان بوده است. بنابراین انتظار می‌رود با توجه به ظرفیت‌های موجود در اقتصاد ایران، امکان رشد قابل توجه بخش صنعت وجود داشته باشد.

در سال‌های اخیر و پس از وقوع شوک اولیه تحریم، واقعی‌تر شدن نرخ ارز، زمینه را برای صادرات فراهم کرده است و از طرفی نوعی سازگاری با شرایط جدید در بخش صنعت به وجود آمده است که نتیجه آن بهبود وضعیت تولید و اشتغال در بخش صنعت است همان‌طور که از نمودار ۲ مشاهده می‌شود در هر دو شاخص، نه تنها افت پس از تحریم جبران شده که نسبت به سقف قبل از تحریم‌ها هم بهبود اتفاق افتاده است. بررسی داده‌های دیگری مانند نرخ بی‌کاری هم این نتایج را تایید می‌کند.



یکی از مسائل نگران کننده درباره وضعیت صنعت، کاهش ملموس در سرمایه گذاری جدید است. تشکیل سرمایه ثابت در کشور در طول دهه گذشته روند نزولی را طی کرده است. سال گذشته استهلاک سرمایه های موجود در کشور، بیش از سرمایه گذاری جدید بوده است. به تعبیر دیگر موجودی سرمایه کشور نه تنها افزایش پیدا نکرده؛ بلکه کاهش یافته است. نمودار ۵ تشکیل سرمایه ثابت ناخالص برای ماشین آلات در بخش صنعت را نشان می دهد.



نمودار ۵: تشکیل سرمایه ثابت ناخالص (ماشین آلات) [۷]

از آن جا که تولید در ایران تا حد زیادی وابسته به انباشت سرمایه است؛ کاهش سرمایه گذاری در حد عدم جایگزینی استهلاک، می تواند فرآیند رشد اقتصادی کشور را بیش از پیش با مشکل مواجه کند. هم چنین واردات مواد اولیه و کالاهای واسطه ای هم به شکل مشابهی کاهش یافته است. نمودار ۶ ارزش واردات دسته های مختلف کالاها را نشان می دهد.



نمودار ۶: ارزش گروه های مختلف کالاهای وارداتی [۷]



نمودار ۲: شاخص تولید و اشتغال کارگاه های بزرگ صنعتی (بیش تر ۱۰ نفر کارکن) [۷]

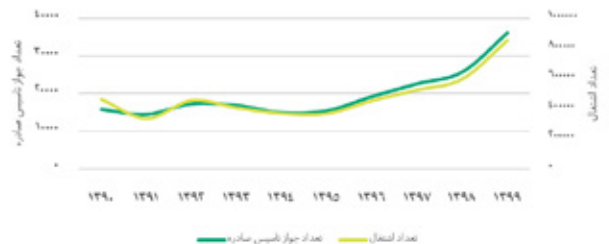
۱.۲. اشتغال در بخش صنعت

بخش صنعت در طول دهه گذشته حدود یک سوم از اشتغال کشور را تامین کرده است. این نسبت برای ترکیه حدود ۲۵ درصد و برای کشورهای OECD حدود ۲۲ درصد است. این تفاوت نشان دهنده پایین بودن میزان اشتغال بخش خدمات ایران است که به دلیل رشد نا کافی این بخش رخ داده است. به عبارت دیگر، بخش خدمات پتانسیل رشد نسبتاً بالایی در اقتصاد ایران دارد. نمودار ۳ تعداد کارگاه ها و شاغلان در کارگاه های صنعتی دارای بیش از ۱۰ نفر کارکن را نشان می دهد.



نمودار ۳: تعداد کارگاه ها و شاغلان آن ها (بیش تر ۱۰ نفر کارکن و بیش تر) [۷]

نکته قابل توجه آن است که در اثر افزایش شدید تعداد کارگاه های صنعتی بین سال های ۹۴ تا ۹۵، سهم کارگاه های دارای ۱۰ تا ۴۹ نفر کارکن از حدود ۱۵ درصد از اشتغال به نزدیک ۳۰ درصد رسیده و در عوض سهم کارگاه های بزرگ با بیش از ۱۰۰ نفر کارکن از حدود ۷۵ درصد به نزدیک ۶۰ درصد رسیده است که نشان از رونق کارگاه های کوچک صنعتی در بازه سال های پس از ۹۴ است. همچنین سهم بخش عمومی از حدود ۲/۶ درصد از اشتغال به حدود ۱/۲ درصد در سال ۹۷ رسیده است. این تغییرات را می توان به نوعی چرخش از بنگاه های بزرگ دولتی به سمت بنگاه های کوچک خصوصی تعبیر کرد. بررسی تعداد جواز تاسیس صادره برای واحدهای جدید صنعتی و توسعه واحدهای موجود نیز بیانگر روند رو به رشد صنعت در کشور است. نمودار ۴ تعداد جواز صادره و تعداد اشتغال متناسب با آن را



نمودار ۴: تعداد جواز تاسیس صادره و اشتغال متناسب با آن ها [۷]



این شکاف را کاهش دهد؛ هر چند در طول دهه گذشته این شکاف رو به کاهش بوده است. گرچه این شکاف ممکن است بعه دلیل حضور بیشتر مردان در مناسب بالاتر نیز باشد.

۱.۳. ترکیب مهارتی اشتغال در بخش صنعت



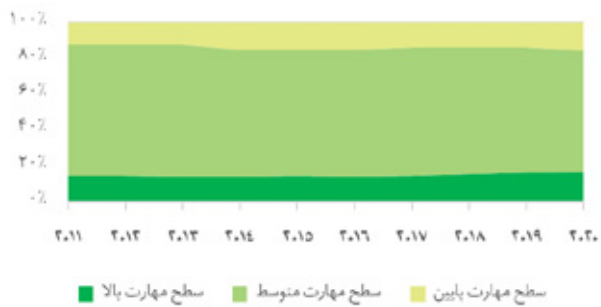
کارگران ساده ■ کارکنان غیرنوبدی ■ مهندسان ■ نکسین‌ها ■ کارکنان ماهر ■ تکنسین‌ها

نمودار ۱۰: نسبت بخش‌های مختلف کارکنان در صنعت [۲۱]

نمودارهای ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ ترکیب مهارتی شاغلان بخش صنعت را در ایران، ترکیه و آلمان نشان می‌دهد.^۱



نمودار ۱۱: ترکیب مهارتی شاغلان بخش صنعت ایران [۱۰]



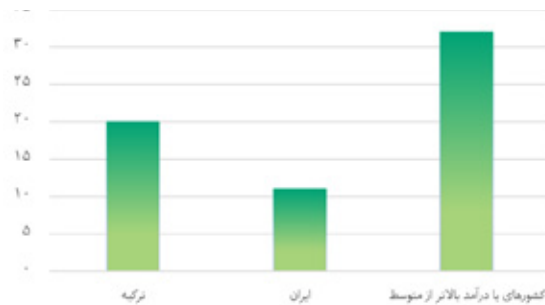
نمودار ۱۲: ترکیب مهارتی شاغلان بخش صنعت ترکیه [۱۰]



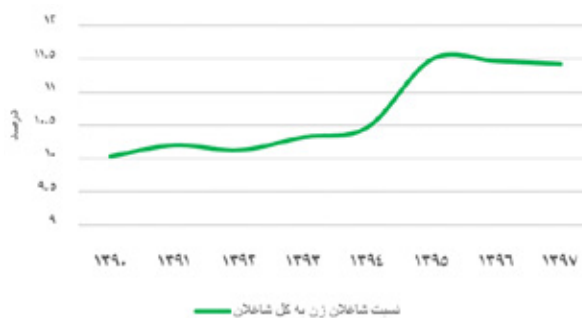
نمودار ۱۳: ترکیب مهارتی شاغلان بخش صنعت آلمان [۱۰]

۱.۲.۱. ترکیب جنسیتی اشتغال در بخش صنعت

نمودار ۷ نسبت شاغلان زن از کل شاغلان در بخش صنعت را برای ایران، ترکیه و کشورهای با درآمد سرانه بالاتر از متوسط (که ایران هم جزو آنهاست) نشان می‌دهد. تفاوت بین ایران و هر دو نمونه دیگر قابل توجه است.



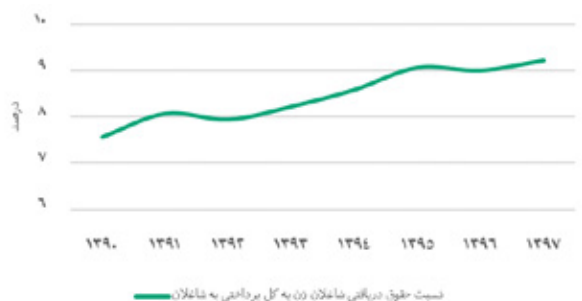
نمودار ۷: نسبت شاغلان زن در ترکیه و کشورهای با درآمد متوسط رو به بالا [۱۰]



نمودار ۸: نسبت شاغلان زن به کل شاغلان (ایران) [۲۱]

مقایسه دو نمودار ۷ و ۸ پایین بودن سطح اشتغال زنان در بخش صنعت ایران را نشان می‌دهد. فراهم شدن زمینه حضور زنان در بخش صنعت و بهبود فضای کار، می‌تواند حضور بیش‌تر زنان در صنعت را ممکن کند.

نمودار ۹ نسبت پرداختی به شاغلان زن از کل پرداختی به شاغلان در ایران را نشان می‌دهد.



نمودار ۹: نسبت حقوق دریافتی شاغلان زن به کل پرداختی به شاغلان [۲۱]

نمودار اخیر نشان‌دهنده شکاف بزرگ بین دستمزد زنان و مردان در بخش صنعت است. اختلاف حدوداً دو درصدی بین نسبت زنان شاغل در بخش صنعت و نسبت حقوق دریافتی زنان، به معنای اختلاف بیست تا بیست و پنج درصدی متوسط حقوق زنان و مردان در این بخش است. این اختلاف می‌تواند از منظر عدالت جنسیتی در دستمزدها مورد توجه سیاست‌گذار قرار گیرد تا با وضع قوانین حمایتی،

۱- بر اساس استاندارد ISCO-88 در چهار سطح طبقه‌بندی شده و سطح ۱ متناظر با مهارت پایین، سطح ۲ با مهارت متوسط و سطوح ۳ و ۴ با مهارت بالا در نظر گرفته می‌شوند.



وجود آورده که دولت و مجموعه حاکمیت می‌تواند با استفاده از آن، زمینه را برای اصلاحات ساختاری و از بین بردن این بیماری اقتصادی فراهم کند.

ضعف حکمرانی اقتصادی: ضعف در تصمیم‌گیری و مدیریت، مدیریت‌های چندگانه و تعارض منافع در ارکان مختلف حاکمیت در اقتصاد وجود دارد. ریشه‌های این مشکل را می‌توان در ساختارهای پراکنده بروکراتیک و ضعف متولیان امر و بی‌توجهی به مواجهه علمی با مسائل جست‌وجو کرد. به نظر می‌رسد مجموعه حاکمیت و مردم، دیر یا زود به این نتیجه خواهند رسید که استفاده از منابع خدادادی هم‌چون نفت، برای سرپوش گذاشتن بر ضعف‌های اداری و ساختاری ممکن نیست. لازم است تغییرات قابل توجه و مانایی در جهت‌گیری و روند تصمیم‌سازی سیاست‌گذاران ایجاد شود تا مشکلات عدیده اقتصاد کشور برطرف شود.

وابستگی به صنایع انرژی‌بر: به دلیل دسترسی به انرژی ارزان از سوی صنایع، بخش مهمی از توسعه صنعتی ایران در بخش‌هایی اتفاق افتاده که بر پایه مصرف بالای انرژی شکل می‌گیرند. در واقع انرژی ارزان به عنوان یک رانت باعث رشد غیرموجه و غیرطبیعی صنایع انرژی‌بر شده است. از طرفی، در اختیار داشتن انرژی ارزان در طرف مصرف‌کننده، باعث شده حساسیت کم‌تری نسبت به مصرف انرژی محصولات صنعتی وجود داشته باشد. به همین دلیل کالاهای تولید داخل عموماً از نظر مصرف انرژی وضعیت مناسبی ندارند و فاقد توان رقابت با محصولات مشابه خارجی در این زمینه هستند.

ضعف فناورانه در محصولات صنعتی: وجود تعرفه‌های سنگین و ممنوعیت‌های وارداتی بر کالاهای صنعتی، باعث شده صنایع داخلی از نظر سطح فناوری اختلاف قابل توجهی با فناوری‌های روز جهانی داشته باشند. این عقب‌ماندگی به خصوص درباره کالاهایی که امکان قاچاق برای آن‌ها وجود ندارد (مانند خودرو) ملموس‌تر است. وجود حاشیه امن برای چنین صنایعی باعث شده واردات قطعاً خارجی و مونتاژ آن در داخل رونق پیدا کند. مونتاژ در سطحی که منجر به هیچ انتقال دانش و زمینه‌سازی برای تغییر در شرایط تولید نمی‌شود. از طرفی در چنین مواردی لزوم بهبود فناورانه توسط صنایع داخلی احساس نمی‌شود و در نتیجه سرمایه‌گذاری در بخش تحقیق و توسعه که عامل پیشرفت فناوری در بخش صنعت است اتفاق نمی‌افتد. هم‌چنین نیروهای متخصص و با مهارت بالا که لازمه تحقیق و توسعه در بخش صنعت هستند، امکان حضور در این بخش را پیدا نمی‌کنند که در قسمت‌های قبلی، کوچک بودن سهم نیروهای ماهر در بخش صنعت در مقایسه با کشورهای پیشرفته، مورد توجه قرار گرفت.

مشاهده می‌شود که اگر چه سطح کارگران با مهارت پایین در ایران نزدیک به کشور صنعتی و با درآمد بالا مثل آلمان است، اما نسبت کارکنان با مهارت بالا که شامل تکنسین‌ها و مهندسان است، برای آلمان در مقایسه با ترکیه و ایران تفاوت قابل توجهی دارد.

۲. تحلیل SWOT از بخش صنعت ایران

● نقاط قوت

نیروی کار فراوان و تحصیل‌کرده: متأسفانه شرایط در دو دهه گذشته به گونه‌ای بوده که کشور، امروز با جمعیت قابل توجهی از جوانان بی‌کار روبه‌روست؛ هر چند بخش بزرگی از این افراد دارای تحصیلات دانشگاهی به‌خصوص در رشته‌های فنی و مهندسی هستند. این مسئله نتیجه سرمایه‌گذاری بیش از حد در آموزش است که به دنبال رشد سریع جمعیت در دهه ۶۰ رخ داده است. از طرفی نرخ مشارکت اقتصادی در ایران نسبت به دیگر کشورها به شکل قابل توجهی پایین‌تر است (به‌خصوص برای زنان). تسهیل شرایط کسب‌وکار و رفع موانع از سوی دولت می‌تواند باعث افزایش جمعیت شاغلان کشور و در نتیجه رشد اقتصادی شود.

موقعیت منطقه‌ای و شرایط جغرافیایی: ایران از نظر جغرافیایی مزیت‌های مهمی دارد. دسترسی گسترده به آب‌های آزاد و در نتیجه حمل‌ونقل ارزان بین‌المللی، مزیت در ترانزیت کالا و انرژی به دلیل قرار گرفتن در مسیر کریدورهای انتقال زمینی و هوایی، دسترسی ارزان به بازار بزرگ منطقه‌ای و وجود کشورهای همسایه آبی و زمینی فراوان از نقاط قوت کشور ماست که بخش صنعت می‌تواند از آن برای توسعه هر چه بیشتر استفاده کند.

وجود زیرساخت‌های توسعه بخش صنعت: زیربنای مورد نیاز برای توسعه بخش صنعت تا حد خوبی در ایران وجود دارد. از صنایع مادری چون فولاد و سیمان تا صنایع معدنی مورد نیاز برای تامین مواد اولیه بخش صنعت در کشور وجود دارد. امکانات لازم برای توسعه بخش صنعت از جمله دسترسی به انرژی مثل برق و گاز و امکانات ارتباطی مانند اینترنت، در عین وجود ضعف‌هایی، ضریب نفوذ و حضور بالایی در کشور دارند.

● نقاط ضعف

وابستگی به نفت: چندین دهه است اقتصاد ایران به نفت گره خورده است. هر چند این وابستگی در طول این سال‌ها با افت و خیز همراه بوده اما عملاً بخش‌های غیرنفتی اقتصاد کشور هم به دلیل جهت‌گیری‌های دولت (که نفت را مطمئن‌ترین راه کسب درآمد می‌داند) دچار وابستگی به بخش نفتی شده‌اند. تحریم‌های نفتی اخیر فرصتی به



● تهدیدها

سرکوب نرخ ارز: هر چند اثرات مخرب تحریم بر اقتصاد کشور قابل کتمان نیست؛ اما در صورت تغییر در شرایط سیاسی و از جمله دستیابی به توافق هسته‌ای و در نتیجه دسترسی دوباره به درآمدهای نفتی، چنان چه تغییری در رفتار و نوع استفاده دولت از درآمدهای ارزی صورت نگیرد و همانند گذشته سرکوب نرخ ارز اتفاق بیفتد، ممکن است بهبود نسبی که در شرایط بخش صنعت ایجاد شده از بین برود. هم چنین عمده رشد اتفاق افتاده در اقتصاد ایران، مربوط به بنگاه‌های بزرگی است که تحت مالکیت یا مدیریت دولتی قرار دارند که باعث شده حتی بخش‌های غیرنفتی هم تا حد زیادی به بخش نفت وابسته باشند. زمانی که به خاطر تحریم‌ها این ارتباط کم‌رنگ‌تر شده، گره زدن دوباره اقتصاد کشور به نفت منطقی به نظر نمی‌رسد. در واقع رفع تحریم‌ها می‌تواند به عنوان فرصتی برای مبادلات تجاری و جذب سرمایه خارجی و تغییر روند نگران‌کننده سرمایه‌گذاری در کشور باشد. در مقابل استفاده نادرست از منابع ارزی حاصل از فروش نفت می‌تواند منجر به آسیب دیدن بخش غیرنفتی اقتصاد شود.

سرمایه‌گذاری: وضعیت سرمایه‌گذاری کشور در طول دهه گذشته، نگران‌کننده بوده است. هر چند اخیراً و با بهبود نسبی وضعیت صنعت کشور، سرمایه‌گذاری هم بهبود اندکی را تجربه کرده است؛ ولی تا رسیدن به نقطه مطلوب فاصله‌ی زیادی هست. تورم پایدار در نرخ‌های بالا و شوک‌های مختلف وارد شده به اقتصاد و نابسامانی اقتصادی، اثر سوئی بر سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف و به‌خصوص صنعت داشته است. به دلیل مشکلات موجود، در سال‌های اخیر سرمایه‌های قابل توجهی در اشکال گوناگون از کشور خارج شده است و در صورت تغییر شرایط، امید است که شاهد رونق دوباره سرمایه‌گذاری در کشور باشیم.

کسری تراز انرژی: نرخ‌گذاری دولتی در حوزه‌ی انرژی و غیرواقعی شدن قیمت‌ها، می‌تواند باعث قطع دسترسی بخش صنعت به منابع انرژی مورد نیاز شود. مانند اتفاقاتی که در فصل تابستان درباره برق و در فصل زمستان برای گاز می‌افتد و صنعت دسترسی به انرژی مورد نیازش را از دست می‌دهد. انتظار می‌رود با اصلاح قیمت‌های انرژی در کشور، وضعیت مصرف انرژی واقعی‌تر شده و رانت انرژی ارزان که تا به حال هم در اختیار صنایع و هم در اختیار بخش خانگی بوده، کاهش پیدا کرده یا از بین برود. گذشته از آن، ایران دارای مزیت‌های قابل توجهی در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر مثل خورشیدی و بادی است که سرمایه‌گذاری در این بخش‌ها می‌تواند انرژی در کشور را به سمت پاک‌تر شدن و افزایش تولید سوق دهد.

وابستگی به تسهیلات ارزان‌قیمت بانکی: به دلیل ضعف مقررات مالی کشور و سهم پایین تأمین مالی داخلی (درون بنگاه) در بنگاه‌های ایران، عمدتاً تأمین مالی به صورت خارجی (برون بنگاه) و با اتکا به منابع نظام بانکی صورت می‌گیرد. منفی بودن سود نرخ حقیقی در اکثر سال‌ها باعث شده است بخش قابل توجهی از بنگاه‌های کشور به تسهیلات ارزان‌قیمت (واجد یارانه سود) معتمد شوند.

فرصت‌ها

رشد بهره‌وری: عمده رشد حاصل در اقتصاد ایران در سی سال گذشته، ناشی از انباشت سرمایه بوده و سهم بهره‌وری در این رشد تقریباً ناچیز است. این مسئله ضرورت توجه به بهره‌وری در اقتصاد کشور را روشن می‌کند؛ زیرا سیاست رشد سرمایه‌محور نمی‌تواند مانند گذشته اثربخش باشد. لازم است با توجه به شرایط موجود اقتصاد کشور، دولت با سیاست‌گذاری درست و رفع موانع موجود بر سر تولید و مبادلات تجاری بین‌المللی، زمینه را برای استفاده هر چه بیش‌تر از سرمایه‌های مادی و انسانی کشور فراهم کند.

رونق بنگاه‌های کوچک: همان طور که در قسمت‌های قبل اشاره شد، بنگاه‌های کوچک صنعتی رشد قابل ملاحظه‌ای را در دهه اخیر تجربه کرده‌اند. بنگاه‌های بزرگ که عمدتاً دولتی یا با مدیریت دولتی هستند هم عمدتاً جزو این دسته‌اند، معمولاً از حمایت بیش‌تری در زمینه‌های مختلف برخوردارند. این بنگاه‌ها به دلیل نفوذ و قدرت اقتصادی خود به فرصت‌های خاصی دست پیدا می‌کنند که دستیابی به آن‌ها برای بنگاه‌های کوچک ممکن نیست. بنگاه‌های کوچک علاوه بر آن که معمولاً نیازمند سرمایه سرانه کم‌تری هستند، می‌توانند نقش مهمی در بهبود وضعیت اشتغال کشور ایفا کنند (همان طور که در قسمت‌های قبل اشاره شد).

بازار منطقه‌ای: ایران در مقایسه با کشورهای دیگر منطقه، از لحاظ توسعه صنعتی در وضعیت بهتر و پیشرفته‌تری قرار دارد. به همین دلیل کشور ما می‌تواند از مزیت حضور در این بازار بزرگ منطقه‌ای بهره‌مند شود. تولیدات صنعتی ایران می‌تواند به خاطر نزدیکی جغرافیایی و قرابت‌های فرهنگی، در مقایسه با رقبای بین‌المللی در اولویت قرار بگیرد. هم چنین پلتفرم‌هایی در کشور ایجاد شده که به سادگی امکان بازآفرینی در کشورهای همسایه را دارند. پلتفرم‌هایی مثل شبکه‌های خرید و حمل‌ونقل اینترنتی که امکان گسترش در سطح منطقه‌ای را دارند.



۳. صنعت در سال پیش رو

شاید دو عامل مهم موثر بر صنعت در سال ۱۴۰۱، وضعیت تحریم‌ها و تورم باشد؛ البته با این فرض که شرایط کرونایی کشور مجدداً برای بخش‌های مختلف اقتصاد و از جمله صنعت، محدودیت‌های جدیدی به دنبال نداشته باشد. با کاهش هر چه بیش‌تر محدودیت‌های کرونایی داخلی و بین‌المللی و رفع موانع تجارت و مبادلات، می‌توان امیدوار بود که کرونا تأثیر منفی قابل توجهی بر صنعت کشور نداشته باشد؛ اما تحریم‌ها و تورم می‌توانند اثر بزرگی بر اقتصاد و صنعت کشور داشته باشند که البته این دو عامل به هم مربوطند. پایداری تورم بالا در کشور، برای چندمین سال متوالی و از طرفی تلاش دولت برای مهار تورم از طریق راه‌های غیرموثر و گمراه‌کننده‌ای مانند عرضه ارزان تسهیلات و مواد اولیه (که سرمایه‌های عموم مردم کشور هستند)، باعث اختلال در فعالیت‌های تولیدی و از جمله صنعت خواهد شد. وضعیت بودجه سال آینده کشور می‌تواند تا حد زیادی بر تورم تأثیرگذار باشد که البته در این روزها خبرهای خوشی از آن

به گوش نمی‌رسد. کسری بودجه ادامه‌دار احتمالاً سیاست‌گذار را به سمت تلاش برای دستیابی به منابع حاصل از فروش نفت خواهد برد؛ اما مشکل آن جاست که در صورت حصول توافق در مذاکرات هسته‌ای، دولت برای کسری بودجه، مجبور به عرضه گسترده ارزهای نفتی مجبور خواهد بود و در نتیجه با سرکوب دوباره نرخ ارز، فعالیت‌های تولیدی در کشور با مشکل مواجه می‌شوند. نابه‌سامانی اقتصادی و تورم بالا، انگیزه لازم برای سرمایه‌گذاری در کشور را تضعیف کرده است. لازم است دولت در گام اول شرایط کلان اقتصاد را مدیریت کرده و پس از آن بسیاری از مداخلات که برای تولیدکنندگان مشکل‌ساز است را متوقف کند. در صورتی که دولت در مدیریت هزینه‌ها و درآمدهایش موفق شود و تورم بالای چند سال اخیر را کاهش داده و از مداخلات گسترده در قیمت‌ها و از جمله قیمت ارز به دلایل غیراقتصادی خودداری کند، می‌توان امید داشت روند رو به رشدی که صنعت در سال‌های اخیر در پیش گرفته ادامه پیدا کند.